ادامه از صفحه ۱۱

تاریخچه فرق اسماعیلیه و قرامطه در جهان اسلام

پس از او، «العزیز بالله» به خلافت رسید. او در شهر مهدیه مغرب در سال ۳۴۴ تولد یافت و در سال ۳۶۲ با پدرش به مغرب رفت. او نیز مانند پدرش در شناخت زبان‌های رایج عصر خود توانا بود و قلمرو دولتش از بلاد عرب در مشرق تا سواحل اقیانوس اطلس در مغرب و از آسیای صغیر در شمال تا سرزمین نوبه در جنوب امتداد داشت.

اسماعیلیه و دولت فاطمی در مصر با اقدامات مفید و تمدن‌سازشان باعث رشد علم و دانش و خصوصا دانش‌های عقلی شدند اما خلفای عباسی و سلسله‌هایی که تحت حاکمیت معنوی آنان بودند به شدت با دانش‌های عقلی مبارزه می‌کردند.

اما بر اثر طولانی‌شدن حکومت فاطمیان مصر، فساد و تباهی در ارکان این دولت رسوخ کرده بود. البته هر قدرت غیرپاسخگو و ابرقدرتی به‌طور قاطع و یقین به این آفات دچار خواهد شد.

براثر بی‌کفایتی و بی‌لیاقتی حاکمان فاطمی، سرزمین فلسطین توسط صلیبون اشغال شد. آنان علاوه بر منطقه شمال آفریقا بخشی از نگاهشان را به شرق معطوف کرده بودند. در نتیجه گروهی از ایرانیان جذب تبلیغات فاطمیان شدند؛ ازجمله حکیم و ادیب معروف ناصر خسرو قبادیانی که پس از سفر حج به سرزمین مصر و شمال آفریقا مسافرت کرد. وی در آنجا به خدمت خلیفه فاطمی رسید و از اهداف و افکار آنان مطلع شد. سپس به عضویت داعیان‌شان درآمد و به مقام حجت نایل و مامور تبلیغ در منطقه خراسان بزرگ شد. حسن صباح داعی دیگر آنها در منطقه خراسان بود که پس از ورودش به خراسان در قهستان قلعه‌ای را برای تبلیغات تشکیلات خود انتخاب کرد و سپس قلعه الموت قزوین را ملجا و مأمن فعالیت‌هایش قرار داد و سال‌های متمادی با ایجاد ترور و وحشت در جامعه خواب راحت را از چشمان سلاطین و حکام سلجوقی خوارزمشاهی ربوده بود.

تا اینکه هنگام حمله هلاکوخان مغول تشکیلات اسماعیلیه در داخل ایران توسط او نابود و منهدم شد.

خواجه نصیرالدین طوسی، حکیم فیلسوف و اندیشمند بزرگ شیعی مدت‌ها در قلاع آنان به‌سر می‌برده است و خود در کتاب شرح اشارات ابن‌سینا می‌گوید:

به گرداگرد خود چندان که بینم
بلاانگشتری و من نگینم

خواجه نصیر که فردی با مذهب امامیه بود با اسماعیلیان دچار تضاد عقیدتی و اندیشه‌ای شد. وی آنان را افرادی منحرف و باطل‌اندیش تلقی و تعبیر می‌کرد، اما آنان به دلیل علم و دانش فراوان خواجه از قتل او صرف‌نظر کرده بودند.

از فرقه‌های منشعب‌شده از اسماعیلیه جنبش قرامطه است. در مورد وجه تسمیه قرمطی گفته شده از آنجا که حمدان بن اشعث هنگام راه‌رفتن پاهای خود را نزدیک هم می‌گذاشت به این نام شهرت یافت. برخی نیز گفته‌اند چون حمدان سرخ‌روی بوده او را به قرمه یعنی آجر سرخرنگ تشبیه کرده‌اند؛ البته اینها بیشتر به افسانه و اسطوره شباهت دارد تا واقعیت.

در اندیشه‌های قرمطیان نوعی اشتراکیت دیده شده است. کتاب جمهوریت افلاطون از کتب ارزشمندی بوده که در مدارس اسماعیلی – قرمطی تدریس می‌شده و اسماعیلیان مفاهیم آن را در جامعه نشر می‌دادند. این کتاب حاوی مطالب زیادی از نظام اشتراکی یونان بود که بر مبنای اقتصادی و اجتماعی تکیه داشت و نیز تصویرکننده جامعه‌ای به‌دور از توحش، هرج و مرج و تعصب و خالی از بردگی و نظام اقطاع در سایه سرمایه‌داری و بورژوازی بود و برانداختن مالکیت شخصی که برهم‌زننده آرامش و امنیت شهرها و موجب دوری انسان‌ها از یکدیگر بود الزام می‌کرد.

قرامطه که متوجه برخورد شدید میان مصالح اغنیا و فقرا بودند و این برخورد را ناشی از ثروت اقویا و فقر ضعفا می‌دانستند. این جدال میان افراد رفته‌رفته به درگیری بین قبایل و طوایف منجر شد. قرامطه با ذکر براهین قاطع می‌گفتند، طبقه مالک برای حفظ ثروت و مصالح خود ناچار است با قدرت اقتصادی خویش از هستی و موقعیت خود دفاع کند و توسعه مالکیت فردی نیز پایه‌ای برای سلطه سیاسی و استبداد در حکومت و قانون‌گذاری است تا با یاری نیروهای مسلح اراده خود را در جهت منافع حکومت بر طبقات محکوم و تحت ستم اعمال کند. از سوی دیگر در آن زمان مالکیت همچنان پایدار و نظام آرسیتوکراسی برقرار بود و ملاکان، دولت را به عنوان وسیله‌ای جهت اعمال قدرت و تنظیم اهداف و در نتیجه حصول منافع خویش به کار گرفته بودند تا بر عوامل تولید ستم روا دارند و آنان را به تسلیم در برابر خود وادار کنند. در این شرایط نظام اسماعیلی- قرمطی که شاهد نظام سرمایه‌داری و ستم اقلیت حاکم بر اکثریت محروم جامعه بود درصدد محو این نظام و ترجیح کار طبقات محروم و کشاورزان فقیر برآمدند. آنان می‌خواستند با اعطای ثروت و مالکیت و دادن سهمی از محصولات کشاورزی به زارعان نظام حاکم را سرنگون کنند.قرامطه به اشتراک در مالکیت و لغو مالکیت فردی، برخورداری از زمین و ثروت، ارزاق و بناهای عمومی معتقدند بودند.بعدها به دلیل انحرافات سیاسی-عقیدتی و فساد اخلاقی که در بین آنان به وجود آمد به راهزنی پرداختند، حتی خانه کعبه را هم مورد حمله قرار دادند و حجرالاسود را از کعبه به جای دیگری منتقل کردند.آنها سرانجام توسط حکام اسلامی سرکوب شدند.براثر اعمال و افعال نفرت‌انگیزشان در بین افکار عمومی و عمال مطرود و منفور شده بودند به طوری که اگر فردی از رجال یا سیاسیون در جامعه اسلامی آماج توطئه یا نابکاری اطرافیان قرار می‌گرفت به بهانه قرمطی بودن مجازات و مکافات می‌شد به گونه‌ای که حسنک وزیر در حکومت سلطان مسعود غزنوی با همین ادعا به دار مجازات آویخته شد.

از کنفرانس گوادولوپ تا خروج محمدرضا پهلوی از ایران

روز فرار

داوود علی بابایی*

حوادث مقارن با فاصله زمانی بین کنفرانس گوادولوپ و خروج شاه از ایران

۱ **با انتخاب شاپور بختیار به نخست‌وزیری، واکنش‌هایی از طرف آیت‌الله سید محمود طالقانی، جبهه ملی، نهضت آزادی و امام خمینی انجام گرفت و جبهه ملی شاپور بختیار را از این جبهه اخراج کرد. امام خمینی در تاریخ ۲۲ دی ۵۷ رئوس برنامه‌های سیاسی خود را در یک اطلاعیه اعلام کرد.**

۲ **رابرت داچ هایزر، ژنرال کارکشته و یکی از فرماندهان ارتش سابق آمریکا برای رایزنی با سران ارتش و سفارت آمریکا و مقامات کشور و شاه در تاریخ ۱۴ دی ۵۷ به ایران آمد و به مدت یک‌ماه در ایران اقامت داشت.**

۳ **سفیر آمریکا با مخالفان رژیم شاه دیدارهایی انجام داد زیرا در دی ماه پیامی از واشنگتن مبنی بر اینکه به کوشش‌های خود در زمینه ایجاد نوعی تفاهم بین سران ارتش و رهبران مخالف رژیم ادامه دهد، دریافت کرده بود.**

۴ **در ۲۳ دی ۵۷ شورای سلطنت با حضور افراد زیر معرفی شدند: شاپور بختیار، دکتر جواد سعید (رییس مجلس شورای اسلامی)، دکتر سجادی (رییس مجلس سنا)، قره‌باغی رییس ستاد ارتش، سید جلال‌الدین تهرانی، دکتر علی‌اکبر سیاسی و محمدعلی وارسته.**

روز چهارم ژانویه ۱۹۷۹ سران چهار کشور انگلیس (جیمز کالاهان)، فرانسه (والری ژیسکاردستن)، آمریکا (جیمی کارتر) و آلمان (هلموت اشمیت) در یک گردهمایی غیررسمی در جزیره‌ای کوچک در دریای کاراییب به نام گوادولوپ که در آن زمان تحت سلطه فرانسه بود به مذاکره پرداختند. موضوع مذاکرات، انقلاب ایران، جنگ کامبوج، خشونت در آفریقای جنوبی، نفوذ روزافزون شوروی‌ها در خلیج‌فارس، کودتای افغانستان و ناآرامی‌های ترکیه بود. کنفرانس گوادولوپ در هفتم ژانویه به کار خود پایان داد و پس از ختم کنفرانس اعلام شد که سران کشورهای آمریکا، آلمان، انگلیس و فرانسه بر سر مساله ایران با هم توافق‌هایی کرده‌اند که در نتیجه شاه ایران درحالی‌که چشم به راه پاسخ ایالات متحده آمریکاست باید سرانجام تصمیم بگیرد که در ایران بماند یا برای یک مرخصی که ممکن است منجر به پایان یافتن سلطنتش شود برود. آمریکا به دلیل مخالفت‌های فزاینده و همه‌جانبه ایرانیان نمی‌تواند از او حمایت کند.

بررسی اسناد و نیز خاطرات سیاسی سران کشورهای شرکت‌کننده که طی سال‌های بعد از کنفرانس گوادولوپ انتشار یافت، نشان می‌دهد که تصمیم درباره آینده محمدرضاشاه و لزوم خارج شدن از ایران پیش از کنفرانس گوادولوپ یعنی در جلسات روزهای ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ و سوم ژانویه ۱۹۷۹ در کمیته مخصوص هماهنگی و شورای امنیت ملی کاخ سفید اتخاذ شده و به وسیله سفیر آمریکا در تهران به شاه ابلاغ شده بود، سپس این تصمیم از سوی سران کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان در مذاکرات گوادولوپ مورد تایید قرار گرفت.

نکته دیگری که با بررسی اسناد مربوط به مذاکرات کنفرانس گوادولوپ در مورد ایران آشکار می‌شود این است که رییس‌جمهور آمریکا (کارتر) و نخست‌وزیر انگلیس (کالاهان) معتقد بودند که کار شاه تمام است و باید از ایران خارج شود. جیمی کارتر خلاصه مذاکرات درباره اوضاع ایران و آینده شاه را به این شرح روایت کرده است:

«طی مذاکرات طولانی که درباره مسایل جهانی در گوادولوپ داشتیم، متوجه شدم سه نفر از رهبران، دیگر پشتیبانی چندانی از شاه نمی‌کنند. آنها در فکر تشکیل یک دولت غیرنظامی بودند و همگی می‌گفتند شاه هرچه زودتر باید برود. همچنین در مورد انسجام و قدرتمند ماندن نیروهای مسلح با من هم عقیده بودند و هیچ یک از انقلابیون پشتیبانی‌ای نکردند.

شاه ایران معتقد بود از ماه دسامبر فشار برای بیرون رفتن من از کشور شروع شد. طی چند هفته مذاکره بر سر تشکیل یک دولت ائتلافی، شرط اولیه عزیمت من به خارج برای استفاده از تعطیلات بود. چند نفر از خارجیان به‌عنوان بازدید به ایران آمدند و از من درخواست کردند از کشور خارج شوم. در همین اوان رییس جدیدی برای پایگاه سیا در تهران فرستاده شد. او بی‌آنکه تجربه‌ای در امور ایران داشته باشد از توکیو به تهران منتقل شد. چرا دولت آمریکا کسی را که سابقه و تجربه در امور کشور من نداشت در جریان بحران به ایران فرستاد؟ به گمانم در کنفرانس گوادولوپ فرانسه و آلمان با پیشنهاد انگلیس و آمریکا در اخراج من موافقت کردند. کنفرانس گوادولوپ به منزله یالتای خاورمیانه بدون حضور شوروی بود. در همان اوان والری ژیسکاردستن رییس‌جمهوری فرانسه یک فرستاده شخصی که با او خیلی نزدیک بود برای مذاکره با من به تهران فرستاد.»

مذاکرات نمایندگان دولت فرانسه با امام بعد از کنفرانس گوادولوپ

چند روز پس از پایان کنفرانس گوادولوپ، کارتر پیامی برای امام فرستاد که در آن با کمال وقاحت و بی‌شرمی و عدم رعایت اصول روابط بین‌المللی و با نهایت صراحت اعلام می‌کند که دولت بختیار مورد حمایت آمریکاست و از امام می‌خواهد از وی حمایت کند و تهدید می‌کند در صورت مخالفت آیت‌الله با دولت بختیار، وقوع یک کودتای نظامی حتمی است و اینکه بهتر است آیت‌الله در بازگشت به ایران عجله نکند. چگونگی انتقال این پیام به امام از این قرار بود که ابراهیم یزدی نقل کرده است: در ۱۸ دی ۱۳۵۷ دو نفر از جانب والری ژیسکاردستن رییس‌جمهور فرانسه برای دیدار امام به نوفل لوشاتو آمدند و روشن بود که باید مساله مهمی مطرح باشد.

ابتدا قرار بود شاه روز ۲۷ دی ۵۷ پس از اعلام رأی اعتماد مجلس شورای ملی به کابینه بختیار به مسافرت برود. روز ۲۵ دی مجلس سنا به دولت بختیار رأی اعتماد داده ولی عصر همان روز ۲۵ دی شاه برنامه خود را تغییر داد و تصمیم گرفت روز ۲۶ دی از کشور خارج شود

ورود آنها به مقر امام در حالی بود که ده‌ها خبرنگار در اطراف منزل برای کسب خبر پرسه می‌زدند و بنابراین از ورود آقایان مطلع شده و می‌خواستند بدانند که چه خبر است که در ملاقاتی که من (ابراهیم یزدی) حضور داشتم بعد از مبادله تعارفات معمولی یکی از آنها شروع به صحبت کرد و گفت: هدف از دیدار پیغامی است که برای آیت‌الله دارند این پیغام از طرف کارتر برای امام است. کارتر در پیغام خود خواسته است که آیت‌الله تمامی نیروی خود را برای جلوگیری از عدم مخالفت با بختیار به کار برد، حملات به بختیار خطرات بسیار زیادی دارد و قماری است که به تلفات زیادی منجر خواهد شد.

به نظر پرزیدنت کارتر پرهیز از هرگونه انفجاری در ایران به نفع همه خواهد بود. خروج شاه قطعی است و در آینده نزدیکی رخ خواهد داد. به نظر کارتر مناسب خواهد بود که وضعیت را تماما زیر کنترل خود بگیرد تا آرامش باشد. آنچه لازم است؛ بگوییم این است که بدانید خطر دخالت ارتش هست و وقوع این خطر اوضاع را بدتر خواهد کرد.

نماینده ژیسکاردستن سپس گفت که وزیر خارجه فرانسه پیغام داد که محرمانه ماندن پیغام کارتر به امام مفید است چراکه امکان ادامه این ارتباط را خواهد داد. پس از ختم سخنان نماینده ژیسکاردستن، امام در پاسخ به پیغام کارتر گفت:

«پیغام آقای کارتر دو جهت در آن بود یکی راجع به موافقت کردن با حکومت فعلی که دولت بختیار باشد و حداقل سکوت در این شرایط و حفظ آرامش در آن فترت و یکی هم راجع به احتمال کودتای نظامی با پیش‌بینی کودتای نظامی، پیش‌بینی کشتار وسیع مردم که ما را از آن می‌ترساند. اما راجع به دولت بختیار شما سفارش می‌کنید که ما برخلاف قوانین خود عمل کنیم بر فرض اینکه من چنین خطایی بکنم، ملت ما حاضر نخواهد بود. ملت ما این همه مصیبت کشید و این همه خون داد برای آن است که از زیر بار رژیم سلطنتی و سلسله پهلوی خارج شود. اما قضیه کودتا! الان از ایران به من اطلاع دادند که یک کودتای نظامی در شرف تکوین است و می‌خواهند کشتار زیادی بکنند و از من خواسته‌اند کالاهای آمریکایی را تحریم کنم و به آمریکا اخطار دهم که اگر چنین کودتایی شود از چشم شما می‌بینند و اگر شما حسن‌نیت دارید باید جلوگیری کنید. برای من گفته‌اند و پیغام داده‌اند که اگر کودتای نظامی شود حکم جهاد مقدس باید داد.»

خروج شاه از ایران

ابتدا قرار بود شاه روز ۲۷ دی ۵۷ پس از اعلام رأی اعتماد مجلس شورای ملی به کابینه بختیار به مسافرت برود. روز ۲۵ دی مجلس سنا به دولت بختیار رأی اعتماد داده ولی عصر همان روز ۲۵ دی شاه برنامه خود را تغییر داد و تصمیم گرفت روز ۲۶ دی از کشور خارج شود.

همه ناظران سیاسی براین امر متفق‌القول بودند که حل بحران ایران با ادامه حضور شاه امکان‌پذیر نیست و آیت‌الله خمینی(ره)، رهبر انقلاب ایران به هیچ عنوان حضور شاه و رژیم سلطنتی را تحمل نخواهند کرد. شاه نیز به این موضوع واقف بود. وی پس از عدم موفقیت دولت نظامی ازهاری در برقراری نظم و آرامش و رفع اعتصاب‌ها که اقتصاد کشور را فلج کرده بود، تصمیم داشت هرچه زودتر از کشور خارج شود.

ادعای شاپور بختیار درباره اینکه اگر شاه به قانون اساسی احترام می‌گذاشت با خروج او از کشور مخالفت می‌کرد یا او را وادار می‌کرد به نفع پسرش کناره‌گیری کند، موجه نیست زیرا در آن اوضاع و شرایط، هیچ قدرتی قادر به دفاع از شاه و جلوگیری از فروپاشی رژیم پهلوی نبود.

بختیار که خود با پشتیبانی واشنگتن به حکومت لرزان و در حال سقوط خود ادامه می‌داد در توجیه ادعایش می‌گوید: «اگر من می‌توانستم کمترین اطمینان را داشته باشم که اعلی‌حضرت قانون اساسی را محترم خواهد داشت به هر قیمت که بود با خروج او از کشور مخالفت می‌کردم.» شاه در خارج شدن هرچه زودتر از ایران شتاب می‌کرد حتی اگر در آن روز جلسه مجلس شورای ملی برای دادن رای اعتماد به بختیار تشکیل نمی‌شد از ایران خارج می‌شد تشریفات مربوط به سفر شاه، خصوصی و غیررسمی بود. مشایعت‌کنندگان نخست‌وزیر، روسای مجلسین، وزیر دربار، رییس ستاد و گروهی از مقامات وابسته به دربار بودند.

فرودگاه مهرآباد در محاصره یگان‌های گارد شاهنشاهی بود مقارن ساعت یازده و نیم شاه و همسرش فرح با هلی‌کوپتر وارد فرودگاه شدند و از فرودگاه مهرآباد به سوی آسوان در مصر پرواز کردند.

*پژوهشگر تاریخ معاصر

ادامه از صفحه ۱۱

در جست وجوی حکومت اسلامی

از این‌رو مجلس شورای ملی، پس از ماه‌ها کشمکش سرانجام لایحه ملی شدن صنعت نفت را در کمتر از دو هفته بعد از قتل رزم‌آرا، تصویب کرد. ترور رزم‌آرا، نخست، راه را برای ملی شدن صنعت نفت و سپس نخست‌وزیری دکتر مصدق در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ گشود، اما بلافاصله فداییان اسلام دستگیر شدند و نواب‌صفوی نیز در تیرماه ۱۳۳۰، کمتر از سه ماه بعد از نخست‌وزیری دکتر مصدق، دستگیر و زندانی شد.

پس از ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری دکتر مصدق، به تدریج روابط میان فداییان اسلام و آیت‌الله کاشانی به سردی گرایید، چراکه فداییان انتظار داشتند از آن پس اقدامات عملی برای تحقق حکومت اسلامی صورت گیرد. اما آیت‌الله کاشانی مهم‌ترین هدف را در آن مقطع حفظ دستاوردهای ناشی از ملی شدن صنعت نفت و کوتاه کردن دست استعمار انگلیس می‌دانست. پس از حوادث تیرماه ۱۳۳۱ و بروز اختلاف شدید میان جبهه ملی و آیت‌الله کاشانی، فداییان اسلام بار دیگر در حمایت از آیت‌الله کاشانی تردید نکردند.

پس از کودتای آمریکایی ـ انگلیسی ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲، همه دستاوردهای نهضت ملی برباد رفت و زنجیرهای اسارت اقتصادی و سیاسی یکی پس از دیگری با انعقاد پیمان‌های گوناگون، توسط رژیم کودتا به دست و پای ملت ایران بسته شد. از جمله آنها، پیمان نظامی بغداد بود که در سال ۱۳۳۴ میان عراق و ترکیه منعقد شد و سپس ایران، انگلستان و پاکستان بدان پیوستند. این پیمان، کشورهای منطقه را به عنوان سپر امنیتی و نظامی آمریکا و انگلستان در برابر شوروی در می‌آورد. فداییان اسلام به عنوان مخالفت با این قرارداد، حسین علاء نخست‌وزیر وقت را در آستانه سفر به بغداد جهت شرکت در اجلاس این پیمان در روز ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۳۴ ترور کردند، اما وی جان سالم به در برد و ضارب دستگیر شد و به دنبال آن نواب‌صفوی و دیگر اعضای موثر فداییان در اول آذر آن سال بازداشت شدند. آنان تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفتند و در دی‌ماه همان سال در دادگاهی نظامی محاکمه شدند. سرانجام پس از چند جلسه، دادگاه، نواب‌صفوی و محمد واحدی، مظفر ذوالقدر و خلیل طهماسبی را به اعدام محکوم کرد. حکم دادگاه در بامداد ۲۷ دی‌ماه ۱۳۳۴ به اجرا درآمد. پیکر آنها در مسگرآباد تهران به خاک سپرده شد و مدتی بعد به قم منتقل شده و در آنجا دفن شدند.

جدول ۱۴۲۲

افقی:
۱- دکان سلمانی- نام قدیم شهر آبادان ۲- درخشان- آسمان‌ها- نشوی دری ۳- فرودگاه لندن- زیاده‌گو- نامی پسرانه، سردار ایرانی ۴- ضمیر اشاره- ذره باردار- کیف لاتین- پول عراق ۵- از سبک‌های کشتی- جمع ناحی ۶- نتر- تپق زدن- موزه پاریس ۷- شکست خورده در شطرنج- میل ورزشی- عداوت ۸- فدراسیون بسکتبال- به آرزو نرسیده- کیک معروف ۹- تنبل- دیرینه- خشک مزاج ۱۰- چراغ پایه دار- تالار بزرگ- اسباب سفر ۱۱- نزدیکتر- لاغر و ضعیف ۱۲- عمدا- برابر ومساوی- سبزی خوردنی- دریا ۱۳- فراتر- آبگیر- ده هزار متر مربع ۱۴- از آحاد زمان- هر چیز عجیب و غریب و افراطی- درخت جنگلی ۱۵- کنایه از سیارات هفتگانه- بلند پایه

عمودی:
۱- شکوفه‌ها- بازرس- ماچ آبدار ۲- گرو گذاشته شده- خط لاتین- سوره هفتم قرآن ۳- سیم ایمن‌کننده لوازم الکتریکی- ورزش پر طرفدار- نوعی تب ۴- کمک کننده- مربوط به مدارک ۵- پول کره- پرهیز کردن- مایه حیات ۶- مزه خرمالو- دلواپس- تکرار حرف دوازدهم- به موقع ۷- نام قدیمی رودخانه جیحون- سردسیر- پرچم ۸- گریزان- بت خانه- خم شدن ۹- اتاق قطار- جمع رایت- کوچک‌ترین واحد زبان گفتاری ۱۰- دندان فیل- گشودن معما- کشور- عرب می‌گوید: بگو ۱۱- صنم- پیامبر خوش صدا- رفیق مشهدی ۱۲- اغما- مقروض ۱۳- خشمگین- بارکد- گرمی ۱۴- سیر کردن- دعای صبح جمعه- پروردگارا ۱۵- خدمتکار- سرپرست – رفیق

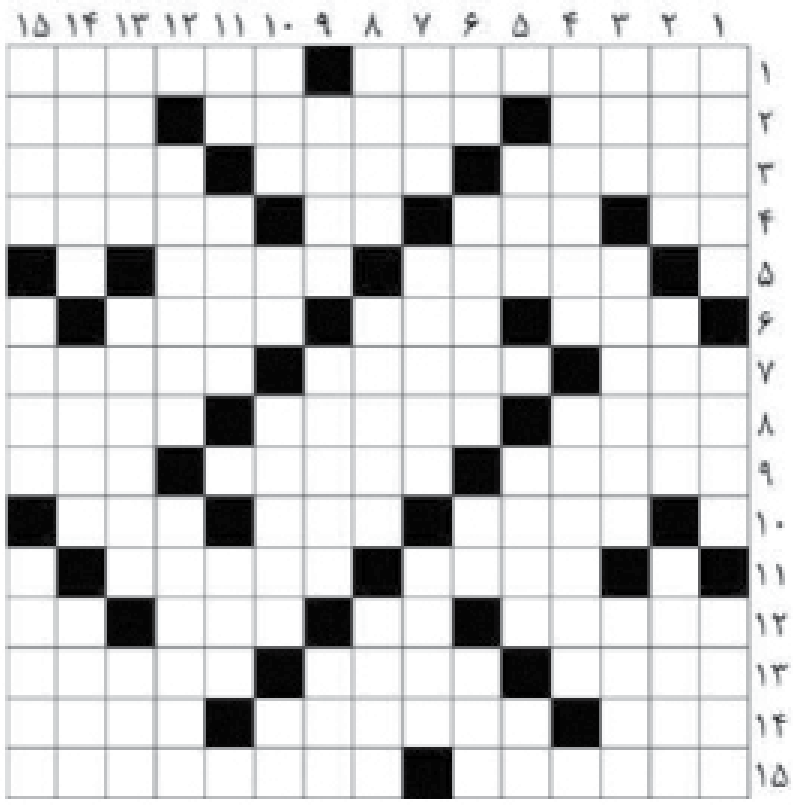

حل جدول ۱۴۲۱

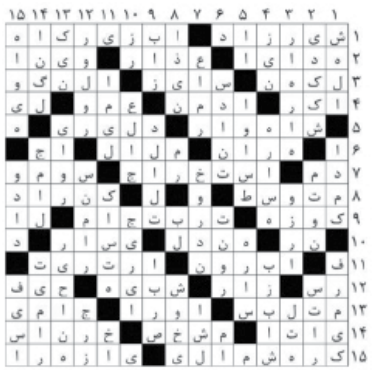

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۴۲۵

۶			۲		۹			
۱	۳			۵			۶	۷
				۸	۷	۱	۲	۹
۸			۷		۱	۹		
		۴			۳	۲	۱	۸
۳	۹		۸				۴	
			۴	۷	۶	۳		
				۲	۵		۸	۴
	۱	۶				۵		۲

حل سودوکو ۴۲۴

۱	۶	۳	۸	۷	۹	۲	۴	۵
۹	۴	۵	۳	۱	۲	۷	۶	۸
۷	۸	۲	۴	۵	۶	۹	۱	۳
۳	۷	۶	۹	۲	۸	۱	۵	۴
۲	۵	۱	۷	۳	۴	۶	۸	۹
۴	۹	۸	۱	۶	۵	۳	۲	۷
۵	۲	۷	۶	۴	۳	۸	۹	۱
۸	۱	۴	۲	۹	۷	۵	۳	۶
۶	۳	۹	۵	۸	۱	۴	۷	۲

سودوکو سخت ۷۳

۳		۲				۶		
			۶		۳	۴	۵	
۶			۹			۳		
۵		۳	۸			۱		
۱				۴			۲	
۷								۸
					۱		۷	۴
۴			۲	۸				۶
		۹	۷	۶				

حل سودوکو سخت